

اعتدال

مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام

فصلنامه داخلی پژوهشی عقیده

سال هجدهم / شماره ۴۱ / بهار ۹۹

شرح خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

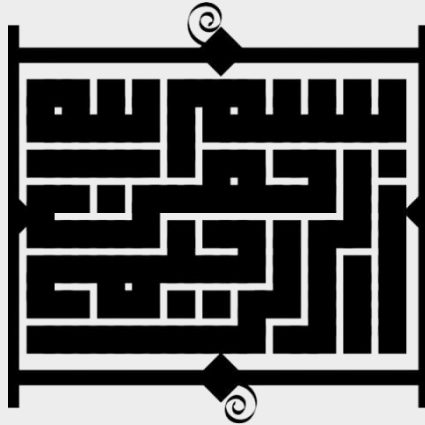


الکتاب الذکر العلی الست



صاحب امتیاز:
مدرسہ علمیہ حضرت زینب علیہا سلام
مدیر مسوول: مرضیہ یارسانی راد "نوف"
سرمدیو: سیدہ اعظم التفتانی فاز
مدیر اجرایی: الہام عبیدی
باسباس ویژہ از: مسوول واحد بڑوہشی;
(خانم وحید) و خانم محسنی کہ ما را
در تهیه و تنظیم این شماره تشریحہ یاری دادند





فهرست مطالب

۲ / مقدمه
۴ / متن خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه
۷ / فراز اول خطبه (اهل کوفه، در آینه کلام زینبی)
۲۳ / فراز دوم خطبه (ویژگی های مردم کوفه و عاقبت عهدشکنی با ولی خدا)
۳۰ / فراز سوم خطبه (محرومیت از سعادت و ننگ ابدی)
۳۸ / فراز چهارم خطبه (مکافات عمل در انتظار عهد شکنان)
۴۷ / فراز پنجم خطبه (گستره اعمال مخالفین ولایت)

مقدمه:

در آیین اسلام شهادت ضامن بقای دین است و شهید برای اعتلای دین خدا از جانش می‌گذرد. شهدا در این آزمون با جانفشانی و ایثار می‌روند تا راه حقیقت همچنان روشن و پر رهرو بماند و این خاصیت خون شهید راه خداست.

حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، سید الشهداء است، ایشان الگویی بی‌بدیل و تمام‌نما برای همه‌انتهایی است که هوای دلدادگی در راه محبوب حقیقی در سر دارند و به او تاسی می‌کنند.

خون امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفایش آنچنان در مسیر حقیقت راهنمایی کرد که همه آزادگان و حقیقت‌طلبان عالم از آن پس با اقتدا به آن اسوه رشادت در برابر ظلم ظالم ایستادند و جانفشانی کردند.

امام حسین علیه السلام با نثار خورش باعث نجات مردم از تاریکی جهل و گمراهی گردید
«وَبَدَّلَ مَهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»^۱

اما شهادت پایان کار امام حسین علیه السلام و یاران رشیدش نبود، زنده ماندن حقیقت‌کربلا و آرمان بلند امام حسین علیه السلام، تا حد بسیاری مرهون از خودگذستگی و فداکاری‌های سفیران قهرمان کربلاست، آنها که اگر چه رنج‌سار و کشتیدند و مصیبت‌شهادت‌عزیزان خود را دیدند، لکن به آرمان خون امام حسین علیه السلام متعهد بودند و پس از شهادت امام خود و یاران عزیزش، برای اعتلای اسلام ناب همچنان استوار ایستادند.

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها‌به‌عنوان سفیر قهرمان کربلا، به همراه سایر اسراء پرچمدار قیام امام حسین علیه السلام شدند. ایشان برای نجات مردم در سال ۶۱ هجری و نجات تمام

^۱ فرازی از زیارت اربعین؛ و جانش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند.

بشریت از ظلمت و گمراهی، مشعل این قیام را روشن نگه داشتند و به زیبایی تمام در کلام و عمل امام زمان خود را یاری نمودند.

حضرت زینب سلام الله علیها در طول سفر اسارت در موقعیتهای مناسب فریاد آزادی و آزادی خواهی امام حسین علیه السلام را سر دادند و تلاش کردند تا اذهان زخم خورده و گرفتار جهالت مردم را با خطابه های آتشین و صریح خود، مرهم گذارند.

حضرت زینب سلام الله علیها _عالمه غیر معلمه_ مردمی را که در یاری امام زمان علیه السلام خود دچار قصور و کوتاهی شدند و گرفتار خسارت عظیمی برای جامعه بشری شدند، با ایراد خطبه و برشمردن ویژگی هایشان، آینه عبرتی برای جهانیان قرار دادند. خطبه هایی که برای عالمیان سرلوحه آزادی و توحید محوری است.

خطبه فصیح و روشنگر حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه، در بردارنده معارفی عالی در باب توحید و ولایت است، که فهم و به کار بستن آن نیازمند غور در مضامین عالی آن است.

پژوهشگران مدرسه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، به منظور تبیین این مفاهیم عالی، با انجام یک کار علمی دقیق، نکات کاربردی فرازهای این خطبه را استخراج نموده و در قالب چهل و یکمین شماره نشریه عقیده تقدیم حضور خوانندگان ولایتمدار می نماید.

لازم به ذکر است این شماره نشریه بنا بود در فصل زمستان منتشر شود که به دلیل شیوع ویروس کرونا و مسایل مربوط به آن، تهی و انتشار آن به این زمان موکول شد.

با آرزوی سلامتی و عافیت برای همه خوانندگان عزیز نشریه عقیده

سردبیر ۱۳۹۹/۳/۱۳

متن خطبه

حضرت زینب علیها السلام

در کوفه^۱

وَكَفِيصَةً عَلَى مَلْحُودَةٍ أَلَسَاءَ مَا
قَدَّمَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ سَخِطَ
اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ
خَالِدُونَ (۲) أَتَبْكُونَ؟ أَيْ - وَاللَّهِ -
فَابْكُوا، وَإِنْكُمْ -

وَاللَّهِ - أَحْرِيَاءُ بِالْبُكَاءِ، فَابْكُوا
كثيْرًا، وَاضْحَكُوا قَلِيلًا، فَلَقَدْ
فُزْتُمْ بِعَارِهَا وَشَنَارِهَا، وَلَنْ
تُزْحَضُوهَا بِغَسَلٍ بَعْدَهَا أَبَدًا، وَ أَنْتِي
تُزْحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النُّبُوَّةِ،

أَبْدًا بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ وَ
السَّلَامِ عَلَى نَبِيِّهِ، أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ
الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْحِثْرِ وَ الْحَدْلِ أَلَا
فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةِ وَ لَا هَدَاتِ الرِّثَّةِ،
إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ «النَّبِيِّ تَفَضَّتْ
عَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةِ أَنْكَائِهَا تَتَّخِذُونَ
أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ» أَلَا وَ هَلْ
فِيكُمْ إِلَّا الصَّلِيفُ وَ الشَّنْفُ وَ مَلْقُ
الإِمَاءِ وَ غَمَزُ الأَعْدَاءِ؟ (۱) هَلْ
انتم إِلَّا كَمَرَعَى عَلَى دِمْنَةٍ

فصیح و بلیغ زنان نامدار تاریخ اسلام و اشعار و سخنان کوتاه آنان نقل و بررسی شده است. البته در اکثر منابع گوینده این خطبه را ام کلثوم بنت علی مطرح کرده اند. نظر مشهور علما بر آن است که براساس شواهد و قرائن منظور همان زینب کبری سلام الله علیها می باشد زیرا ام کلثوم یکی از کینه های این بزگوار نیز می باشد.

۱. خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه، در منابع مختلف شیعه و سنی مطرح آمد است و اختلافاتی در برخی عبارتها نیز یافت می شود. آنچه که در اینجا آمده است برگرفته از کتاب بلاغات النساء احمد بن ابی طاهر مشهور به ابن طیفور مربوط به قرن سوم هجری قمری است که در آن سخنان

ترجمه

با ستایش خداوند و سلام بر پیامبرش سخن خود را آغاز می‌کنم. اما بعد، ای اهل کوفه! ای مردم فریب‌کار و خیانت‌پیشه! چشمه‌های اشکتان خشک نشود و ناله‌هایتان خاموش نگردد! همانا مثل شما همانند زنی است که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام وا می‌تابید (شما نیز) عهد و پیمانتان با یکدیگر را وسیله فریب و تقلب ساخته‌اید. آیا در میان شما جز خودستایی و کینه زیاد و چاپلوسی کنیزان و طعنه دشمنان یافت می‌شود؟ (۱)

آیا شما همچون چراگاه‌هایی در میان خاکروبه‌ها هستید و مانند زیوری در گورستان‌ها هستید؟! آگاه باشید چه بد توشه‌ایی برای آخرت فرستاده‌اید؛ توشه‌ایی که همان خشم خداست و در عذاب جاویدان خواهید بود. (۲)

و مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، وَ سَيِّدِ شَبَّانِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ، وَ مَنَارِ مَحَجَّتِكُمْ، وَ مِدْرَه
حُجَّتِكُمْ، وَ مُفْرَخِ نَازِلَتِكُمْ. (۳)
فَتَعْساً وَ نَكْساً، لَقَدْ خَابَ السَّعْيُ،
وَ خَسِرَتِ الصَّفْقَةُ، وَ بُؤْتُمْ بِعَضْبٍ
مِنَ اللّٰهِ، وَ ضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الدِّلَّةُ وَ
الْمَسْكَنَةُ «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِدًّا،
تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ
تَتَشَقَّقُ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»
أَتَذُرُونَ أَيَّ كَيْدٍ لِّرَسُولِ اللّٰهِ
فَرِيْتُمْ؟ وَ أَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أُبْرَزْتُمْ،
وَ أَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟ (۴) لَقَدْ جِئْتُمْ
بِهَذَا شَوْهَاءَ خَرْقَاءَ شَرَّهَا طِلَاعِ
الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ، أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ
قَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ «لَعَذَابُ
الْآخِرَةِ أَخْزَى وَ لَا يَنْظُرُونَ فَلَا
يَسْتَخَفُّكُمْ الْمَهْلُ فَإِنَّهُ لَا تَحْفِرُهُ
الْمُبَادِرَةُ وَ لَا يَخَافُ عَلَيْهِ فَوْتُ
الشَّارِ كَلَّا إِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَ لَهُمْ
لِبِالْمِرْصَادِ.» (۵)

آیا گریه می کنید؟ آری به خدا سوگند باید گریه کنید. بلند گریه کنید. پس بسیار بگریید و کمتر بخندید. چرا که دامن خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده‌اید که ننگ و پلیدی آن را از دامن خود تا ابد نتوانید شست و چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خاتم پیامبران، معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت، راهنمای شما در مقام حجت بر خصم و پناه شما در هنگام نزول بلا را از دامن خود بزدایید؟! (۳)

نابود شدید و وارونه گشتید، تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است، و به سوی خشم خدا بازگشتید و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است. به راستی، عمل شما زشت و ناپسند است؛ نزدیک است از این عمل، آسمانها متلاشی و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد. وای بر شما ای مردم

کوفه! آیا میدانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران با عفت و وقاری را از خاندان او به کوچه و بازار کشانده‌اید؟! چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟! (۴)

قطعا کاری بس زشت، احمقانه، رفتاری تباه، به اندازه حجم زمین و آسمان انجام دادید. راستی اگر از خیانت شما آسمان خون بیارد تعجب نکنید. اما این را بدانید که [علاوه بر نکبت و ذلت زندگی دنیا] عذاب دردناک و ذلیل کننده در انتظار شماست. [ای مردم کوفه] شما به این مهلت چند روز دنیا دل خوش ندارید و آن را آسان و ساده نشمارید، زیرا خداوند برای مجازات ستمگران عجله نمی‌کند، و بیم آن نداشته باشید که وقت بگذرد و انتقام خونهای امام حسین علیه‌السلام گرفته نشود که خداوند همیشه مراقب اعمال ماست و پیوسته در کمین ستمگران خواهد بود. (۵)

کوشش در حيله گری ضعیف و زبون می‌گردد.^۱

***خَذَلَ**: وَ هُوَ تَرَكُّكَ نَصْرَهُ
أَخِيكَ^۲؛ به معنای ترک کردن یاری برادرت.

الْخَاءُ وَ الذَّالُ وَ اللَّامُ أَصْلُ
وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى تَرْكِ الشَّيْءِ
وَ التُّعُودُ عَنْهُ. فَالْخِذْلَانُ:
تَرَكَ الْمَعُونَةَ^۳؛ این ریشه بر ترک چیزی و باز ایستادن از آن دلالت دارد؛ پس خذلان به معنای ترک کمک است.

***رِقَاءٌ**: الرَّاءُ وَ الْقَافُ وَ الهمزة
كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ. يُقَالُ: رِقَاءُ الدَّمِّ وَ
الدَّمْعُ، إِذَا انْقَطَعَا^۴؛ اشک و خون هرگاه قطع شوند رقا گفته می‌شود.

***عَبْرَةٌ**: أَصْلُ الْعَبْرِ: تَجَاوُزُ
مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ^۵ وَ عَبْرَةٌ
الدَّمْعُ: جَرِيهٌ^۶؛ اصل این کلمه به معنای گذر کردن از یک حالت به حالت دیگر است و عَبْرَةٌ
الدَّمْعُ به معنای جاری شدن اشک است.

***هَدَأٌ**: كَمَنْعٍ يَهْدَأُ هَدَاءً وَ
هُدُوءًا: سَاكِنٌ يَكُونُ فِي
الْحَرَكَةِ وَ الصَّوْتِ وَ غَيْرِهِمَا^۷؛
آرامش یافتن و ساکن شدن در حرکت و صدا و غیر آن‌ها.

***الرَّئَةُ**: الصَّيْحَةُ الْحَزِينَةُ^۸؛
صدای سوزناک و حزن‌انگیز.

***نَقْضٌ**: انْتِثَارُ الْعَقْدِ مِنَ الْبِنَاءِ
وَ الْحَبْلِ، وَ الْعِقْدُ^۹؛ گسستن و

۱. محمد بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۷۴.

۲. خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. احمد، ابن فارس، معجم المقاییس اللغه، مکتب الأعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۶۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۲۷.

۵. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۳.

۶. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۵۳۳.

۷. محمدمرتضی، حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۸۳.

۸. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۵۴.

۹. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۲۱.

فِيهِ مَعَابٌ؛ اصل غَمَز اشاره
نمودن با پلک چشم یا دست به
چیزی است که در آن عیبی هست
و معیوب است.

از هم در رفتن پیوستگی ساختمان
و بنا و گره ریسمان و عقد.

* غَزَل: پنبه را به صورت نخ
درآوردن.^۱

* نَكَث: شکستن عهدهی که
لازم الوفاء است.^۲

* صَلَف: صَلَف - صَلَفًا: به
چیزی که ندارد خود را ستایش
نمود و علاوه بر این نیز ادعا کرد؛
الصَّلَف: خودستا.^۳

* الشَّنَف: شِدَّة البُغْض؛^۴ کینه
زیاد.

* مَلِق: رَجُل مَلِقٌ: يُعْطَى
بِلِسَانِهِ مَا لَيْسَ فِي قَلْبِهِ؛^۵ به
زبان بیآورد آنچه را که در قلبش
نیست.

* غَمَز: أَصْلُ الغَمَزِ: الإِشَارَةُ
بِالجُنْفِ أَوْ اليَدِ طَلَبًا إِلَى مَا

۱. علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیة،
تهران، ۱۴۱۲ ق، ج ۵، ص ۹۷.
۲. همان، ج ۷، ص ۱۰۷.
۳. فؤاد افرام، بستانی، فرهنگ ابجدی، انتشارات
اسلامی، تهران، بی تا، ص ۸۶.

۴. فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۲۶۷.
۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۷.
۶. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۱۴.

اهل کوفه، در آینه کلام زینبی

محبوبه وحید و مرضیه نادری^۱

مقدمه

حضرت زینب سلام‌علیها بعد از حادثه کربلا به اسارت برده شدند و در این مسیر تمام تلاششان را نمودند تا هدف قیام امام حسین علیه‌السلام که همان هدایتگری و رسوا ساختن چهره پلید منافقان و یزیدیان است، محقق شود. حضرت در مقابل مردم کوفه، همان مردمی که خلافت امیرالمومنین علیه‌السلام را درک کرده و بخوبی با فضایل اهل بیت علیهم‌السلام آشنا بودند، خطبه خوانی کردند و اعمال زشتشان را به ایشان یادآور شدند، اعمالی که از ویژگی‌های شخصیتی شان

نشأت می‌گرفت. برشمردن این ویژگی‌ها برای آن مردم موجب تنبه و پشیمانی شد و برای ما نیز می‌تواند عبرت باشد.

۱. شروعی مدبرانه و مودبانه

أَبْدَأُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ عَلَى نَبِيِّهِ

با ستایش خداوند و سلام بر پیامبرش سخن خود را آغاز می‌کنم.

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها با حسن مطلع و شروعی کامل چند نکته را در اوج بلاغت متذکر شدند؛ این جمله پیش از هر چیز بیانگر رویکرد توحیدمخورانه ایشان در همه حالات است. بانویی اسیر و مصیبت‌زده که با خواری بر سر بازار آورده شده، با

نادری؛ فارغ التحصیل حوزه،
m.naderi99@chmail.ir

^۱ محبوبه وحید؛ طلبه سطح ۳،
whydm8101@gmail.com؛ مرضیه

صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:
«حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ!»
 ادب نیکو، زیور خرد است». نیز
 حضرت علی علیه السلام
 می فرماید: **«كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ
 إِلَى الْعَقْلِ وَ الْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى
 الْأَدَبِ»**^۲؛ هر چیزی نیازمند خرد
 است و خرد نیازمند ادب».

در خصوص اهمیت ادب، حضرت
 امیر علیه السلام در جای دیگری
 می فرماید:

**«يَا مُؤْمِنُ، إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ
 وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ، فَاجْتَهِدْ
 فِي تَعَلُّمِهِمَا، فَمَا يَزِيدُ مِنْ
 عِلْمِكَ وَأَدَبِكَ يَزِيدُ فِي
 ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ»**^۳؛

ای مؤمن! این دانش و ادب
 جان بهای توست، پس در فرا
 گرفتن آن دو کوشا باش که هر

شجاعت خطبه می خواند و
 کلامش را با شکرگزاری نسبت به
 خداوند آغاز می کند، در واقع با
 بیان عقیده و باور توحیدی خود
 نقشه های شوم ابن زیاد و یزید را
 خنثی می سازد. چرا که آنها برای
 فشار بیشتر و شکنجه روحی -
 روانی اسرای آل الله علیهم
 السلام، ایشان را همچون اسیران
 خارجی به شهرها و بازارها وارد
 می کردند. حضرت سلام الله علیها
 پیش از هر چیز به همه ی افرادی
 که آنجا حضور داشتند اعم از
 شامی و کوفی، تصریح کردند که
 پرستنده الله جل جلاله و معتقد به
 نبوت نبی مکرم اسلام صلی الله
 علیه و آله و سلم هستند.

ادب حضرت نسبت به پروردگار در
 این فراز مشهود است. طبق
 روایات ادب نشانه خرد آدمی و
 فزونی عقل است، رسول خدا

۱. محمد بن علی، کراچی، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق،
 ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، غررالحکم و
 دررالكلم، دارالکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق، ص
 ۵۱۰.

۳. علی بن حسن، طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر
 الأخبار، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۳۵.

چه بر دانش و ادبیت افزوده شود،
قدر و ارزش فزونی گیرد.»

ادب در مقابل پروردگار، همان
شکر در اوج مصیبت است و این
نشان دهنده اوج مقامات توحیدی
و عرفانی حضرت زینب سلام الله
علیها است.

امام صادق علیه السلام سیره نبوی
صلی الله علیه و آله و سلم را در
مواجهه با مشکلات و خوشی‌ها
چنین ترسیم می‌کنند؛

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَانَ
رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ
أَمْرٌ يَسْرُهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ وَإِذَا وَرَدَ
عَلَيْهِ أَمْرٌ يَغْتَمُّ بِهِ قَالَ - الْحَمْدُ
لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ^۱»
رسول خدا صلی الله علیه و آله و
سلم این بود، هرگاه امری
شادمانش می‌ساخت، می‌فرمود:
خدا را شکر بر این نعمت و چون

پیش آمد ناگواری اندوهگینش
می‌نمود می‌فرمود: خدا را شکر در
هر حال.

در باب اهمیت شکرگزاری در
نعمت و مصیبت، امام صادق علیه
السلام در جای دیگری
می‌فرمایند:

«وَلَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ يَتَّبِعِدُ
بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصُونَ أَفْضَلُ
مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ
لَأَطْلَقَ لَفْظَهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ
الْخَلْقِ بِهَا، فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ
مِنْهَا خَصَّهَا بَيْنَ الْعِبَادَاتِ
وَخَصَّ أَزْوَاجَهَا فَقَالَ تَعَالَى:
وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ^۲»
اگر نزد خداوند عبادتی بهتر از
«شکرگزاری در همه حال» وجود
داشت که بندگان مخلصش با آن
عبادتش کنند، هر آینه آن کلمه
را درباره همه خلقش به کار
می‌برد؛ اما چون عبادتی بهتر از
آن نبود از میان عبادات آن را

۲. منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام،
مصباح الشریعۀ، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق، ص ۲۴.

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، دارالکتب
الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۹۷.

چنین نقل فرموده که روزی به
 علی علیه السلام فرمود:

«أَلَا أُبَشِّرُكَ فَقَالَ بَلَىٰ بِأَبِي
 أَنْتَ وَ أُمِّي فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ
 مُبَشِّرًا بِكُلِّ خَيْرٍ فَقَالَ
 أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ آيَفَاءً بِالْعَجَبِ
 فَقَالَ لَهُ وَمَا الَّذِي أَخْبَرَكَ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنِي أَنَّ
 الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى
 عَلَيَّ وَ أَتْبَعَ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَهْلَ
 بَيْتِي فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ
 وَ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ سَبْعِينَ
 صَلَاةً وَ إِنَّهُ لَمُذْنِبٌ وَ خَاطِئٌ
 ثُمَّ تَحَاتُّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا
 يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ وَ
 يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَبَّيْكَ
 عَبْدِي وَ سَعْدَيْكَ وَ يَقُولُ
 لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَنْتُمْ
 تُصَلُّونَ عَلَيَّ سَبْعِينَ صَلَاةً وَ
 أَنَا أُصَلِّي عَلَيْهِ سَبْعِمِائَةَ صَلَاةٍ
 وَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ لَا يَتَّبِعُ

خالص قرار داد و صاحبان آن را
 ویژه گردانید و فرمود: اندکی از
 بندگان من سپاس گزارند.

در ادامه حضرت زینب سلام الله
 علیها بر رسول مکرم اسلام صلی
 الله علیه و آله و سلم درود و
 صلوات می فرستند و این نیز همان
 ادب بندگی و تسلیم فرمان حق
 است. درود و صلوات بر نبی مکرم
 اسلام صلی الله علیه و آله و سلم
 وجوه مختلفی دارد. اگر از طرف
 خدا باشد به معنای رحمت است و
 اگر از طرف ملائکه باشد به
 معنای تزکیه و اگر از طرف
 انسانها باشد به معنای درخواست
 رحمت برای آن حضرت است.
 علامه طباطبایی ذیل آیه ۵۶
 احزاب^۱ روایتی را از امام صادق
 علیه السلام ذکر می کنند که
 ایشان از جد بزرگوارش پیغمبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَهْلَ بَيْتِي كَأَن
يَبْنِيهِ وَبَيْنَ السَّمَاءِ سَبْعِينَ
حِجَابًا وَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا
لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ يَا مَلَائِكَتِي
لَا تَضَعِدُوا دُعَاةَ إِلَّا أَن يُلْحِقَ
بِنَبِيِّ عِتْرَتِهِ فَلَا يَزَالُ مَحْجُوبًا
حَتَّى يُلْحِقَ بِي أَهْلَ بَيْتِي^۱؛

آیا به تو بشارت بدهم؟ علی علیه
السَّلام عرض کرد: آری پدر و
مادرم فدایت، تو همیشه
بشارت‌دهنده به همه نیکی‌ها
بوده‌ای. پیامبر صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود: جبرئیل الآن از چیز
عجیبی به من خبر داد، امیرمؤمنان
علیه السلام پرسید: چه خبری داده،
ای رسول خدا؟ فرمود: به من خبر
داد که یکی از امت من هنگامی که
صلوات بر من می‌فرستد و به دنبال
آن صلوات بر اهل بیتم، درهای
آسمان به روی او گشوده می‌شود و

فرشتگان هفتاد صلوات بر او
می‌فرستند و اگر از گنه‌کاران باشد،
گناهانش فرو می‌ریزد آن‌گونه که
برگ‌ها از درختان می‌ریزند».

زینب کبری سلام الله علیها در آن
شرایط سخت بر خدا و ملائکه
تأسی نموده و کلامش را معطر به
عطر صلوات نموده و در واقع از این
ذکر نورانی استعانت جسته است.

نکات:

۱. کلام هر فرد نشان‌دهنده
شخصیت و وزنه روحی اوست.
۲. شروع امور با ذکر یاد خدا و
دورد بر نبی مکرم اسلام صلوات
الله علیه واله موجب کسب نتیجه
مطلوب می‌شود.
۳. مشکلات و سختی‌ها آزمون
الهی است و پیروز واقعی در این

۱. محمد بن احمد، فتال نیشابوری، روضة الواعظین و
بصیرة المتعظین، رضی، قم، ۱۳۷۵ ش، ج ۲،
صفحه ۳۲۳.

فراز و نشیب منوط به یاد خدا
و نعمتهای او است.

۲. حقیقت نفاق در نقاب

*أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا
أَهْلَ الْخَيْرِ وَالْخَيْرِ وَالْخَيْرِ أَلَا فَلَ
رَقَاتِ الْعَبْرَةِ وَلَا هَدَاتِ
الرَّيَّةِ؛

اما بعد، ای اهل کوفه! ای مردم
فریب کار و خیانت پیشه! چشمه های
اشکنا خشک نشود و ناله های تان
خاموش نگردد!

حضرت زینب سلام الله علیها بعد
از حمد و ثنای الهی، ویژگی های
مردم کوفه را برمی شمرد. طبع آدمی
بر عقل و شهوت سرشته شده، اگر
عقل را بر وجود خویش امیر سازد
از ملک مقرب تر می شود، چنانکه
خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و
سلم در شب معراج به مقامی پا نهاد
که حتی جبرئیل امین آن رتبه را

در نیافت؛ اما چنانچه شهوات و
امیال نفسانی بر عقل آدمی چیره
شود وجود او سراسر تاریکی و
ظلمت و رذائل می شود. قلبی که
قرار بود حرم خدا شود و با انوار
الهی و کلام حق پرتوافشانی کند
لانه شیطان می گردد. این نتیجه
پیروی و دوستی با دشمنان
خداست.

وقتی قبله گاه قلب از کعبه ای
حقیقی یعنی اهل بیت علیهم السلام
رویگردان شد، محور شرارت
می شود. اینجا مردم کوفه مقابل
حضرت زینب آئینه تمام نمای
امیرالمومنین علیه السلام ایستاده اند
و چند لحظه ای با لطافت کلام
نورانی او، اندرون زشت خود را
تماشا می کنند. این ویژگی آنان و
همه کسانی است که در طول
دوران، از اولیاء الهی رویگردان
شوند.

أَهْلَ الْخَتَرِ: انسانهایی نیرنگ باز که خدعه و حيله‌شان آنان را خوار و زبون ساخت.

أَهْلَ الْخَذَلِ: مردمی که وعده یاری دادند اما هنگام عمل هیچ کمکی نکردند.

یکی از ویژگی‌های ابلیس در قرآن خذل است. خداوند می‌فرماید: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»^۱

این آیه شریفه فریاد ندامت و حسرت مجرمی جهنمی است که می‌گوید: ای وای، کاش من فلانی را [که سبب بدبختی من شد] به دوستی نمی‌گرفتم، بی‌تردید مرا از قرآن پس از آن که برایم آمد گمراه کرد. و شیطان همواره انسان را [پس از گمراه

کردنش تنها و غریب در وادی هلاکت] وا می‌گذارد.^۲

نکته مهم: مردم کوفه نیز بعد از دعوت امام حسین علیه السلام به کوفه و بیعت با نماینده امام جناب عقیل علیهما السلام، آن حضرت را تنها گذاشتند و یاری نکردند. به حزب شیطان پیوستند و ابلیس را به رهبری خود برگزیدند. همو که اهل خذلان است و همواره پیروانش را بعد از گمراهی و ارتکاب جرم در وادی ضلالت و هلاکت رها می‌کند. این معنا به صراحت در آیه ۲۲ سوره مبارکه ابراهیم آمده است. روز قیامت بعد از اتمام حسابرسی، شیطان پیروانش را به ریشخند و توهین و تمسخر می‌گیرد که چرا از او که دروغگو و گمراه است پیروی کردند، آنجا می‌گوید که هرگز به آنان کمکی نخواهد کرد.

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ

^۱. سوره مبارکه فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹.

^۲. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.

الْحَقِّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ
وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ
سُلْطٰنٍ اِلَّا اَنْ دَعَوْتُكُمْ
فَاَسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَ
لُومُوا اَنْفُسَكُمْ مَا اَنَا
بِمُصْرِحِكُمْ وَ مَا اَنْتُمْ
بِمُصْرِحِي اِنِّي كَفَرْتُ بِمَا
اَشْرَكْتُمُوْنَ مِنْ قَبْلُ اِنَّ
الظَّالِمِيْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ

و شیطان [در قیامت] هنگامی که
کار [محاسبه بندگان] پایان یافته
[به پیروانش] می‌گوید: یقیناً خدا
[نسبت به برپایی قیامت، حساب
بندگان، پاداش و عذاب] به شما
وعده حق داد، و من به شما وعده
دادم [که آنچه خدا وعده داده،
دروغ است، ولی می‌بینید که وعده
خدا تحقق یافت] و [من] در
وعده‌ام نسبت به شما وفا نکردم،
مرا بر شما هیچ غلبه و تسلطی
نبود، فقط شما را دعوت کردم [به
دعوتی دروغ و بی‌پایه] و شما هم
[بدون اندیشه و دقت دعوتم را]
پذیرفتید، پس سرزنشم نکنید،

بلکه خود را سرزنش کنید، نه من
فریادرس شما، و نه شما
فریادرس من، بی‌تردید من نسبت
به شرک‌ورزی که شما در دنیا
درباره من داشتید [که اطاعت از
من را هم‌چون اطاعت خدا قرار
دادید] بیزار و منکرم یقیناً برای
ستمکاران عذابی دردناک است».

این نتیجه ترک یاری امام علیه
السلام است، کسی که حاضر نشد
در جبهه حق پایداری کند راهی
جز پیوستن به باطل ندارد و این
همان دوستی با دشمن خدا است.

پیام‌ها

۱- نتیجه فریب و خیانت ناله و
اشک است. «يَا اَهْلَ الْخَتْرِ وَ
الْخَذْلِ اِلَّا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةِ وَ
لَا هِدَاةِ الرَّنَّةِ»

۲- هر که در برابر ظلم سکوت
کند، در دسته ظالمان قرار
می‌گیرد. «يَا اَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا
اَهْلَ الْخَتْرِ وَ الْخَذْلِ»

۳. حکایت عهد شکنی

***إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ «الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ»**

همانا مثل شما همانند زنی است که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام و می‌تایید (شما نیز) عهد و پیمانتان با یکدیگر را وسیله فریب و تقلب ساخته‌اید.

حضرت سلام الله علیها در ادامه توصیف مردم کوفه به آیه‌ی ۹۲ سوره نحل تمسک می‌فرماید؛

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّهٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّهٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛

و مانند آن [زنی] که پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام و استواری و می‌تابانید، نباشید که سوگندهایتان را میان خود به بهانه

اینکه گروهی [چون مشرکان] از گروهی [چون مؤمنان] از نظر نفرات و امکانات افزون‌ترند، مایه خیانت و فساد قرار دهید [به این صورت که از روی تظاهر، مؤمنان را با سوگندهایتان دلخوش کنید که با آنان هستید، و در پشت پرده سوگندهایتان را بشکنید، و به خیال اینکه از ضربه‌های دشمن در امان بمانید، به دشمن بپیوندید] جز این نیست که خدا شما را به وسیله آن [نفرات اندک و افزونی نفرات دشمن] آزمایش می‌کند، و روز قیامت آنچه را [از حق و باطل] همواره در آن اختلاف می‌کردید، برای شما روشن می‌سازد».

شان نزول آیه در تفسیر البرهان، بعد از واقعه غدیر خم ذکر شده است؛

«... محمد بن یعقوب کلینی بعد از چهار واسطه از زید بن الجهم الهمدانی و او از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود:

حاکمان وقت ایراد فرمود این آیه را تلاوت کرد که مثال شما به خاطر پیمان شکنی نسبت به بیعتی که در غدیر خم با علی علیه السلام داشتید، مثال همان زنی است که می‌بافت و سپس بافته خود را پنبه می‌کرد.

مثال‌ها و ضرب‌المثل‌های قرآن به نحوی است که در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها تازگی و روشنی و طبیعی بودن خود را حفظ می‌کند و از کودک دبستانی تا فیلسوف را اشباع می‌کند.

مردم کوفه سالها قبل طعم شیرین عدالت حضرت علی علیه السلام را چشیده بودند و در زمان هرچند کوتاه حکومت امام حسن علیه السلام را درک کرده بودند اما در هر دو حالت قبل و بعد از بیعت با این دو امام بزرگوار علیهما السلام به عهد خود بر یاری آنها پایبند نبودند، اکنون در مقابل حضرت

هنگامی که ولایت امیرالمومنین در غدیر خم آشکار گردید و پیامبر دستور فرمود که بر علی به عنوان امامت و امارت بر مؤمنین سلام بدهند، گفتند: یا رسول الله این دستور از جانب خدا است یا از جانب رسول اوست؟ پیامبر فرمود: این دستور از جانب خدا و رسول او هر دو می‌باشد، سپس آیه ۹۲ و ۹۳ نحل نازل گردید^۱

تفسیر نور در شرح آیه چنین می‌گوید:

«در تاریخ آمده که زن بی‌خردی در نیمی از روز پنبه و پشمی را می‌بافت و در نیم دیگر بافته خود را و می‌تایید، کار او یک ضرب‌المثل شد که قرآن نیز برای کسانی که زحمات خود را هدر و پیمان‌های خود را می‌شکنند به کار برده است.

فاطمه زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه در خطبه‌ای که علیه

۱. سید هاشم بن سلیمان، بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثه، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۴۵۰.

زینب سلام الله علیها نیز با چشمانی گریان شاهد فجایع حاصل از نقض بیعت و پیمانشان با امام حسین علیه السلام بودند. پس حضرت زینب سلام الله علیها در نهایت فصاحت و بلاغت از آیه استفاده فرمودند.

پیام ها

۱- پیمان شکنی، هدر دادن زحمات گذشته است. «نُقِضَتْ غَزَلُهَا»

۲- هرچه پیمان محکم تر بسته شود، شکستن آن زشت تر است. «مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ»

۳- پیمان شکنی پی در پی، ننگ بیشتری دارد. («أُنْكَاثًا» جمع «نکث»).

۴. منیت؛ وحشتناک ترین حجاب* أَلَا وَهَلْ فِیْكُمْ إِلَّا

الصَّلْفُ وَ الشَّنْفُ وَ مَلَقُ الْإِمَاءِ وَ غَمَزُ الْأَعْدَاءِ؟

آیا در میان شما جز خودستایی و کینه زیاد و چاپلوسی کنیزان و طعنه دشمنان یافت می شود؟

عهد و پیمانی که کوفیان نقض کردند نتیجه ردائلی چون کبر و حسد و کینه توزی بود. حضرت سلام الله علیها در این عبارت بزرگترین ردائل را بر می شمرد، ویژگی هایی که محصول قلوب بیمار است و در اخلاق ام الرذائل نامیده شده است. وقتی آدمی از ولی خدا رویگردان شد به وسیله ابلیس به وادی تاریک خودبینی و تکبر و دروغ و تملق گرفتار می شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که یکی از یارانش می گوید: از آن حضرت سؤال کردم کمترین مرحله الحاد و کفر چیست؟ فرمود: «إِنَّ الْكِبْرَ

۱. محسن، قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸، ج ۶ ص ۴۴۷.

أُدْنَاهُ؛ تَكْبَرُ نَخْسَتَيْنِ مَرَحْلَةَ أَنْ
است.»

در حدیث دیگری از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می‌خوانیم: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ؛ کسی که به اندازه ذره‌ای تکبر در قلبش باشد وارد بهشت نخواهد شد.»

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: مَنْ قَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» فَلَيْسَ بِمُسْتَكْبِرٍ وَ لَا جَبَّارٍ، إِنَّ الْمُسْتَكْبِرَ مَنْ يُصِرُّ عَلَى الذَّنْبِ الَّذِي قَدْ غَلَبَهُ هَوَاهُ فِيهِ، وَ أَثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى آخِرَتِهِ^۱» کسی که بگوید: «استغفر الله و اتوب الیه» نه مستکبر است و نه گردن‌کش. مستکبر، کسی است که بر گناهی که در آن هوای نفسش بر او چیره

گشته مداومت ورزد و دنیایش را بر آخرتش ترجیح دهد.

وقتی نفس و هواپرستی دلخواه آدمی شود، وارد بر وادی هلاکت شده و از نور و هدایت فاصله می‌گیرد. طبق روایات هرچه انسان از هوی نفس فاصله بگیرد به خدا مقرب شده و در وادی ولایت قرار می‌گیرد. لذا بزرگترین عامل و مانع در مسیر ولایت‌مداری و یاری امام علیه السلام، نفس‌پرستی است که مادر رذائل است. تمام آنچه در وصف کوفیان گفته شد شرح حال انسان‌هایی است در طول تاریخ، که قدر فرصت رستگار شدن را ندانستند. همه ما می‌توانیم مخاطب این کلمات نورانی باشیم، چرا که همه ما امتحان می‌شویم و تنها راه نجات، مبارزه با نفس است.

۱. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰، ص ۲۷۷.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، صفحه ۳۰۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۱۰.

پیام‌ها

۱- سقوط انسان از تکبر آغاز می‌شود. «إِلَّا الصِّلْفُ»

۲- منتظر چاپلوسی اطرافیان نباشیم. «مَلَقُ الإِمَاءِ»

۳- آسیب کینه زیاد در ابتدا گریبان خود شخص را می‌گیرد. «وَالشَّنْفُ»

فهرست منابع و مآخذ

- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۹- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ ق.
- ۱۰- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیرة المتعظین، رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۲- قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۳- قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۴- کراچکی، محمد بن علی، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۷- منسوب به جعفر بن محمد امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعة، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۰ ق.

- ۱- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان
- ۲- ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- افرام، فؤاد، بستان، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی، تهران، بی‌تا.
- ۵- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثه، قم، ۱۳۷۴ ش.

۶- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، دارالکتب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.

۷- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

فراز دوم خطبه

حضرت زینب علیها السلام

در کوفه

ترجمه واژه ها

۱- «مَرَعَى» از ماده «رَعَى» به معنای نگهداشتن حیوان است یا با غذایی که جانش را حفظ کند یا با دور کردن دشمن از او.^۲ «مَرَعَى» بر وزن مفعول به معنای چراگاه است. محلی که چهارپایان با چریدن محافظت می‌شوند.^۳

۲- «دِمْنِه» نیز جمع دِمْن به معنای جای «خاکروبه، مزبله، آثار خانه، باقیمانده‌ی آب در حوض»

«هَلْ أَنْتُمْ إِلَّا كَمَزَعَى عَلَى دِمْنَةٍ وَكَفِضَةٍ عَلَى مَلْحُودَةٍ الْأَسَاءِ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ»^۱

ایا شما همچون چراگاه‌هایی در میان خاکروبه‌ها هستید و مانند زیوری در گورستان‌ها هستید؟!

آگاه باشید چه بد توشه‌ایی برای آخرت فرستاده‌اید؛ توشه‌ایی که همان خشم خداست و در عذاب جاویدان خواهید بود.

۱- خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴، ش، ج ۲، ص ۸۲

۲- علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۰۶

۱- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی، بی تا، ص ۳۸

۲- حسین بن محمد، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: غلامرضا

می‌باشد.^۱ «دمنه» به مکانی گفته می‌شود که کود و بول حیوانات بر روی هم انباشته شده و با خاک آن آمیخته می‌شود و پس از ترکیب آن‌ها با هم از دل آن‌ها گیاهی می‌روید که زیباست اما ریشه اش در دل انواع و اقسام میکروب‌ها و کثافت‌هاست و از بوی خوش و خاصیت سازنده و دوام و پایداری بی بهره است.^۲

۳- «فِضَه» در این عبارت می‌تواند به دو معنا تعبیر گردد؛ نخست به معنای تابلوی زیبایی که از نقره^۳ ساخته شده باشد که گذاشتن این تابلوی به ظاهر زیبا روی قبر انسان بی دین، باعث جلب توجه افراد ظاهربین می‌شود؛ چرا که لاشه درون قبر و گندیدن آن با زیبایی ظاهری روی

قبر منافات دارد. معنای دوم «فضه»، آجر است؛ بنابراین با توجه به این معنا، یعنی قبری که با آجر و سایر سنگ قبرهای با شکوه مزین گردد؛ اما درون آن لاشه گندیده باشد.^۴

۴- «مَلْحُودَه» از «لحد» به پیکری که در گور قرار داده شده است، گفته می‌شود.^۵

۱ - فؤاد افرام، بستانی، فرهنگ ابجدی، مترجم؛ رضا مهیار، تهران، نشر آسما، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۳۹۸

۲ - محمد کاظم، قزوینی، زندگانی حضرت زینب سلام الله علیها از ولادت تا رحلت، ترجمه علی کرمی فریدنی، قم، مرتضی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۶

۳ - علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۱۸۲
۴ - اسماعیل حسینی اجداد، مقاله تجزیه و تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب در کوفه، مجله سفینه، بهار ۱۳۸۸، ش ۲۲، ص ۱۱۴
۵ - محمد کاظم، قزوینی، همان، ص ۳۱۷

ویژگی‌های مردم کوفه و عاقبت عهدشکنی با ولی خدا

فاطمه ترابی^۱

مقدمه

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در خطبه کوفه پس از حمد و ثنای الهی به بیان صفات مردم کوفه می‌پردازد و آنها را فریبکار و خیانت پیشه خطاب می‌کند. خودستایی، کینه، چاپلوسی و تملق از جمله صفات مردم کوفه است که حضرت، این ویژگی را بیان کرده تا عواطف را تحریک کند و آنها را از کج فهمی‌ها و گمراهی بیرون آورده و آنها را

متوجه کردارخودشان کند که دستشان به خون چه کسی آلوده شده است.

در دومین فراز حضرت زینب سلام‌الله‌علیها با به کار بردن صنعت تشبیه به بیان صفات دیگر مردمان کوفه پرداخته و عاقبت خیانت و عهدشکنی با ولی خدا را بیان می‌کند.

الف- نفاق، عامل سقوط از انسانیت

در این فراز حضرت به مهمترین ویژگی مردم کوفه که همان نفاق است اشاره کرده است:

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد؛

fatemeht921@gmail.com

هَلْ أَنْتُمْ إِلَّا كَمَرَعَى عَلَى دِمْنَةً وَكَفِضَةً عَلَى مَلْحُودَةٍ

آیا شما همچون چراگاه‌هایی
در میان خاکروبه‌ها هستید و مانند
زیوری در گورستان‌ها هستید

۱- منظور از جمله «كَمَرَعَى عَلَى
دِمْنَةً» این است که شما مردم
کوفه به گیاه و سبزه ایی می‌مانید
که در دل

لجنزار می‌روید و از کود حیوانات
تغذیه می‌کند و انتظار بوی خوش
و خاصیت سازنده از آن‌ها بی‌هوده
است.^۱

در این عبارت نیز حضرت
زینب(سلام الله علیها) از «

استعاره تمثیلیه^۲ بهره می‌برند و
حالت مردم کوفه را - که دارای
ظاهری زیبا بودند، اما باطن و
درون آنان به پستی گراییده و
نفاق در جان آنان لانه کرده بود؛
به گونه ای که دروغ، نفاق و
زیرپا گذاشتن ارزشهای الهی جزء
ویژگیهای عمومی آنان گردیده
بود- به حالت آن گیاهان به ظاهر
زیبا و دلربا با آن حالت رستگاه
کثیف تشبیه می‌کنند.^۳

۴- منظور از جمله «وَكْفِضَةً عَلَى
مَلْحُودَةٍ» این است: شما مردم
کوفه به گوری می‌مانید که ظاهر
آن با نقره زیباسازی و آراسته شده
است اما درون آن پیکر فردی

۱- همان. ص ۳۱۶

۲- استعاره تمثیلیه، استعاره با انتزاع **وجه شبه** از
امور متعدد، و تشبیه حالی به حالی دیگر را
می‌گویند^۱. استعاره تمثیلیه «آن است که وجه
شبه از امور متعدد انتزاع شده باشد؛ به عبارت
دیگر، استعاره تمثیلیه، **تشبیه** یکی از دو
طرف **استعاره** - که از امور متعدد انتزاع شده‌اند
- به طرف دیگر است، به تصور این که
صورت **مشبه به** عین صورت مشبه است. این

استعاره را «استعاره تمثیلیه» می‌گویند؛ چون در
آن، حالی به حال دیگر **تمثیل** شده است؛ نه این
که فقط لفظی به لفظ دیگر تشبیه شده باشد. و
چون مشبه در جمله آورده نشده، استعاره صورت
گرفته است «<http://wikifeqh.ir/>»
مشبه حالت مردم کوفه است و مشبه به گیاه
که زیباست اما بی‌خاصیت است.

۳- اسماعیل حسینی اجداد، مقاله تجزیه و
تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب در کوفه، ص
۱۱۳

است پلید و بدمنش. آیا چنین ظاهر آرایی سودمند است؟^۱

۵- عبارت « وَكَفِضَهُ عَلَيَّ مَلْحُودَةً » مشبه به دوم این استعاره تمثیلی است.^۲

۶- حضرت زینب سلام الله علیها برای القای مطالب و آگاهی و بیدار کردن وجدانهای خفته مردمان کوفه و تحریک عواطف از دو روش استفاده می‌کند: بهره گیری از تمثیل و دیگری توصیف صفات مردم کوفه.

پیام ها

۱- گفتار آدمی باید متناسب با فهم مخاطب باشد به گونه ایی که هر یک از مخاطبان به اندازه ارزش وجودی خودشان، کلام گوینده را دریابند.

۲- نفاق عامل سقوط انسان در ورطه گمراهی است که ریشه در دنیا گرایی دارد.

۳- معیار مقایسه، ظاهر نیست بلکه آن چیزی که سبب تفاوت و ارزش بین انسانها می‌شود، تقواست.

۴ - منافق ظاهری آراسته و زبانی چرب دارد علی رغم اینکه درون و باطن او تهی است.

۵- ظاهر نباید سبب برتری افراد گردد.

۶- مومن باید کید و زرنگ بوده و فریب ظاهر افراد را نخورد. به تعبیر دیگر ظاهر بین نباشد.

۷- سخن انسان باید جذابیت داشته و تحریک عاطفه کند.

۸- گوینده برای القای مطالب به مخاطب از روشهای گوناگون

است که در زیر آن لاشه گندیده و متعفن قرار دارد.

^۱ - همان، ص ۳۱۷

^۲ - مشبه همان حالت زیبا و فریبکارانه مردم کوفه است و مشبه به همان سنگ قبر باشکوهی

بهره بگیرد.) با توجه به نوع و فهم (مخاطب)

ب- عاقبت عهدشکنی =

جاودانگی در عذاب

در این فراز حضرت زینب سلام الله علیها عاقبت عهدشکنان و خیانتکاران را بیان می کند. نتیجه عملشان خشم خداوندی است که تا ابد در عذاب جاویدانند.

الْأَسَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسِكُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ

آگاه باشید چه بد توشه‌ایی برای آخرت فرستاده‌اید توشه‌ایی که همان خشم خداست و در عذاب، جاویدان خواهید بود.

این سخن حضرت زینب سلام الله علیها برگرفته اقتباس از این سخن خداوند است که می- فرماید: «تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ»

يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ»^۱

۲- مردم کوفه چه آنان که در قتل امام حسین علیه السلام شرکت داشته و یا راضی به این کار بوده و یا سکوت کردند، کافرند.^۲

پیام ها

۱- عذاب الهی و خواری در دنیا و آخرت برای عهدشکنان و خیانتکاران می‌باشد.

۲- مکافات عمل از سنت های الهی است.

۳- سکوت در برابر دشمن جایز نیست.

۴- دنیا را هدف قرار دادن، سبب خواری است درحالی‌که دنیا را وسیله رسیدن به آخرت قرار دادن، پلکان ترقی است.

۱- سوره مائده، آیه ۸۰

۲- سپاه علی بن ابی طالب، مجموعه مقالات کنگره ملی حضرت زینب سلام الله

۴. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.

<http://wikifeqh.ir>

۵. حسینی اجداد، اسماعیل، مقاله تجزیه و تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب در کوفه، مجله سفینه، بهار ۱۳۸۸

۶. قزوینی، محمد کاظم، زندگانی حضرت زینب سلام الله علیها از ولادت تا رحلت، ترجمه علی کرمی فریدنی، قم، مرتضی، ۱۳۹۰

۷. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

۵- هر چقدر گناه، زشت و بزرگ باشد، عذاب هم بزرگتر و سختتر است. (رابطه دوسویه گناه و عذاب)

۶- فرجام دینداری فاسقانه، تدارک دیدن خشم الهی و عذاب ابدی است.

۷- عمل انسان باید مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد چرا که انسان برای بندگی خدا آفریده شده است.

۸- در برابر دشمن باید به پا خواست و اقدامی انجام داد حتی کوچک.

فهرست منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی، بی تا.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش

۳. سپاه علی بن ابی طالب، مجموعه مقالات کنگره ملی حضرت زینب سلام الله علیها، قم، انتشارات وحدت بخش، ۱۳۹۱

فراز سوم خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

ترجمه

متن خطبه

أَتَبْكُونَ؟! أَيِ وَاللَّهِ فَا بُكُوا،
وَإِنَّكُمْ وَاللَّهِ أَحْرِيَاءُ
بِالْبُكَاءِ، فَا بُكُوا كَثِيرًا،
وَاضْحَكُوا قَلِيلًا، فَلَقَدْ فُزْتُمْ
بِعَارِهَا وَشَنَارِهَا، وَلَنْ
تُرْحَضُوهَا بِغَسَلِ بَعْدِهَا أَبَدًا،
وَأَنْتِي تُرْحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ
خَاتِمِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ،
وَسَيِّدِ شَبَّانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
وَمَنَارِ مَحَجَّتِكُمْ، وَمِدْرِهِ
حُجَّتِكُمْ، وَمُفْرَخِ نَازِلَتِكُمْ.

آیا گریه می کنید؟ آری به خدا
سوگند باید گریه کنید. بلند گریه
کنید. پس بسیار بگریید و کمتر
بخندید. چرا که دامان خود را به
ننگ و عار جنایتی آلوده‌اید که
ننگ و پلیدی آن را از دامان خود
تا ابد نتوانید شست و چگونه می-
توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند
رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خاتم
پیامبران معدن رسالت و سرور
جوانان اهل بهشت، راهنمای شما
در مقام حجت بر خصم و پناه شما
در هنگام نزول بلا را از دامان
خود بزداييد؟!!

ترجمه واژه ها

بِعَارِهَات: از عُرَى به معنای عریان بودن ... و نیز به معنی سالم و پاک بودن از عیب و گناه است فاعل آن عار و عریان است. در مفردات راغب هم آمده است: فهو عار و عریان... و هو عرو من الذنب.^۱

شَنَارِهَات: العیب و العار به عبارت دیگر عیبی است که در آن عار وجود دارد؛ عار به معنای ننگ است. به عنوان مثال؛ کسی که شرب خمر کرده و توبه می کند گناه کرده است اما بدون ننگ. حال اگر این شخص نقشه بربزد که چطور مال یتیم برادرش را بخورد کار او علاوه بر گناه بودن ننگ آور هم است.^۲

تَرْحُضُونَ: حروف اصلی آن

رحض و به معنای: الرحض:
الغسل (شستن) می باشد.^۳

سَلِيل: حروف اصلی آن (سلل) می باشد و اهل لغت آن را چکنده و صاف شده گفته اند. فرزند را سلاله و سلیله و سلیل گفته اند که چکیده و کشیده مرد است.^۴

مَنَار: موضع النور و المناره؛ به معنای جای روشنایی، پرچم که مرز کشور برافراشته است و برای نشانه دو مرز باشد.^۵

مَدْرَه: از المدر و به معنای: قطع طین یابس: (قطعات خشت خرد شده

مَفْرَخ: دریچه ورود^۶

^۴فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین؛ محمود عادل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، جلد ۲ صفحه ۸۶۷

^۵عبد الرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی؛ محقق: مخزومی، مهدی؛ سامرای؛ ابراهیم، العین، موسسه دارالهجره؛ قم؛ ۱۴۱۰ جلد ۸؛ ص ۲۷۶، www.almaany.com

^۶همان، جلد ۴؛ ص ۲۴
^۷سعید، شرتونی؛ اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم؛ ایران ۱۳۶۱، جلد ۴، ص ۱۳۷.

^۱علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، بیروت- لبنان، چاپ ششم ۱۳۷۰، جلد ۴؛ ص ۱

^۲محب الدین ابی فیض محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی، مصحح: علی شیری، تاج العروس فی شرح القاموس، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، بیروت- لبنان، ص ۲۸۹ - خیرگزاری مهر-دین و اندیشه قرآن و متون دینی ۳۰ مهر ۱۳۹۵ سخنرانی عبدالله فاطمی نیا.

^۳محمد بن محمد، مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس؛ دارمکتبه الحیاه؛ بیروت؛ لبنان، جلد ۱۰، ص ۵۸

محرومیت از سعادت و ننگ ابدی

زهرا اسحاقی، زینب سجادی پویا^۱

مقدمه

واقعه‌ی عاشورا با نقش آفرینی بی‌بدیل اسراء به ویژه حضرت زینب سلام الله علیها شناخته و ماندگار شد. ایشان پس از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام با همه‌ی توان و در هر فرصتی نسبت به تبیین اهداف ایشان و دفاع از حریم امام زمان عج الله تلاش نمودند.

نکته‌ی قابل توجه در خطبه‌های حضرت زینب سلام الله علیها در کنار بیان شیوا و رسا، استناد آنها به آیات الهی و احادیث پدر و جد بزرگوارشان بوده است و در این نوشتار سعی بر آن شده است تا

نکات اخلاقی و دینی مهم استخراج گردد.

الف: نداشتن ایمان باعث ننگ ابدی است

أَتَبْكُونُ؟! أَىِ وَاللَّهِ -
فَأَبْكُوا، وَإِنِّكُمْ - وَاللَّهِ -
أُخْرِيَاءُ بِالْبُكَاءِ، فَأَبْكُوا كَثِيرًا،
وَاضْحَكُوا قَلِيلًا، فَلَقَدْ فُزْتُمْ
بِعَارِهَا وَشَنَارِهَا، وَلَنْ
تُرْحَضُوهَا بِغَسَلِ بَعْدِهَا أَبَدًا

آیا گریه می‌کنید؟ آری به خدا سوگند باید گریه کنید. بلند گریه کنید. پس بسیار بگریید و کمتر بخندید. چرا که دامان خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده‌اید که

اسحاقی؛ طلبه سطح ۳،
z.eshaghi1397@gmail.com

^۱ زینب سجادی پویا؛ طلبه سطح ۳،
زهرا hany.rm2009@gmail.com

ننگ و پلیدی آن را از دامان خود تا ابد نتوانید شست.

حضرت زینب سلام الله علیها نداشتن ایمان را ننگ ابدی مردم کوفه دانسته و قتل امام حسین علیه السلام و یاران ایشان را در اثر همین عدم شناخت معرفی کرده طوری که توبه ی آنها را در پیشگاه خداوند قابل پذیرش نمی داند.

حضرت زینب سلام الله علیها در این فراز از خطبه، اقتباسی^۱ به آیه ۸۲ سوره توبه^۲ دارند و آن اینکه ایشان کوفیان را با منافقان عصر رسالت، به دلیل سکوت و بی تفاوتی آنها شبیه دانسته اند که ناله و گریه آنها بر قتل پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله کیفر دنیوی و متناسب با عمل آنهاست و این

پیام را دارد که خنده‌ها و خوشی‌های چند روزه‌ی کوفیان، حسرت و گریه‌های طولانی را در پی دارد و با تلمیح^۳ به آیه‌ی ۱۴ سوره نساء^۴ می فرماید: این ننگ و زشتی عملشان تا ابد پاک نخواهد شد. زیرا کمر به قتل کسی بستند که در قله رفیع فضائل و مکارم قرار داشت. ایشان با جملات تاکیدی و همچنین دلایل محکم بر امامت امام حسین علیه السلام کوفیان را متوجه اعمال زشتشان می کنند.

پیام ها

۱. در برابر دشمن باید مقتدرانه برخورد کرد حتی اگر گوینده در شرایط مناسبی نباشد " اَتَبْكُون "

^۳تلمیح: در لغت یعنی به گوشه چشم اشاره کردن، و در اصطلاح، بدیع، صنعتی است که متکلم در نظم و نثر، قصه ای معروف یا مثلی مشهور یا شعری مشهور اشاره کند.

^۴"وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ"

^۱اقتباس در اصطلاح بدیع؛ صنعتی است که متکلم، در نظم یا نثر چیزی از قران یا حدیث را بیاورد؛ به گونه ای که تصریح نکند از قران و یا حدیث است.

أَفَلَيْضِحْكُمْ قَلِيلًا وَلَيَبْكَوْا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

حضرت زینب سلام الله علیها، با به کار بردن " کلمه اتبکون " طوری سوال از گریه کردن مردم کوفه می کنند که آنها بدون جواب دادن؛ توییح و تنبیه می شوند. چون با کشتن امام حسین علیه السلام و یاران ایشان گریه کردن، فایده ای ندارد.

۲. کاربرد جملات تاکیدی و قسم

برای فهم پیام "وَلَنْ تُرْحَضُوا "

۳. در گفتگو با مخاطب باید از امور مورد قبول آن استفاده کرد. چنان که سخنان حضرت زینب سلام الله علیها سرشار از آیات قرآن بود. " فَابْكُوا كَثِيرًا، وَأَضْحَكُوا قَلِيلًا "

۴. برخی مواقع زشتی کار آنقدر بزرگ است که پشیمانی بی حاصل است. " أَتَبْكُون؟! أَىِ وَاللَّهِ فَابْكُوا "

حضرت زینب سلام الله علیها که در خاندان عصمت، بزرگ و تربیت شده اند به خوبی می دانند محبت به خداوند دارای صفات کمال و جمال وهمچنین به رسولش که واسطه فیض اوست، واجب می باشد.

در نتیجه محبت اهل بیت علیهم السلام که جانشین رسالت می باشند واجب است.

محبت به اهل بیت علیهم السلام؛ نیرو محرکه‌ای است که قوای انسان را تحریک کرده و به فعلیت می‌رساند تا به سوی محبوبش پر بکشد، و از جلوه‌های حب در زندگی انسان است مانند حزن و اندوه در فراق محبوب (از جمله حزن حضرت یعقوب در فراق یوسف پیامبر). حضرت زینب سلام الله علیها با آگاهی از این امر در فراق برادر و امام زمان خود به دست کسانی که حتی جهت حب و بغض شان را نمی‌دانند به خوبی می‌فهمانند که عزاداری و گریه می‌تواند یکی از مظاهر ایمان به ایشان باشد. ایمانی که مردم کوفه بویی از آن نبردند و لذا گریه- هایشان هرگز سودی به حال آنها نخواهد داشت.

معدن، به معنای مرکز شیء است اعم از اینکه مرکز شیء مادی باشد یا معنوی، و کلمه «رسالة» اسم است از باب ارسال و نوعاً به پیام پیامبران الهی گفته می شود.

یعنی اهل بیت مرکز رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و مبلغ آئین اویند به عبارت دیگر تداوم نعمت رسالت به برکت وجود اهل بیت علیهم السلام است و این نور از رهگذر و مصباح ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در دسترس همگان قرار گرفته و بی تردید بدون وجود این انوار تابناک، رسالت و تداوم آن عقیم می ماند.^۱

آنچه از لفظ «سید» نزد اهل لغت و محدثان متبادر است سید کسی است که از جهت عقل برترین، و در جمیع ویژگیهای خیر، بالاترین و رئیس دیگران است. در مورد

۵. عدم محو بعضی از گناهان تا ابد " فَلَقَدْ فُزْتُمْ بِعَارِهَا وَ شَنَارِهَا، وَلَنْ تُرْحَضُوهَا بِغَسَلِ بَعْدِهَا أَبَدًا "

ب. نشناختن امام زمان سبب محرومیت از سعادت است

وَأَنْتَى تُرْحَضُونَ قَتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنَارِ مَحَجَّتِكُمْ، وَمِدْرَةِ حُجَّتِكُمْ، وَ مَفْرَخِ نَازِلَتِكُمْ.

و چگونه می توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت، راهنمای شما در مقام حجت بر خصم و پناه شما در هنگام نزول بلا را از دامان خود بزدايید؟!

^۱ محمدتقی، مجلسی، روضه المتقین، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.ج ۵، ص ۴۵۴.

«شباب أهل الجنة» نشان داده می شود که نوع اضافه بیانی و توضیحی است و با توجه به شواهد مختلف و متعدد، همه بهشتیان جوان هستند. از جمع این دو مطلب بر می آید که هر کسی که وارد بهشت شود امام حسن و امام حسین علیهما السلام سید و سرور او خواهند بود.^۱

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^۲ توجه به این نکته ضروری است که معرفت امام زمان خود، آن گاه می تواند انسان را از مرگ جاهلی برهاند که بتواند با شناسایی امام عصر خود از هدایت های او بهره مند شود و اوامر و نواهی او را پاس دارد. حضرت زینب سلام الله علیها با تاکید بر این امر از نعمت ولایت

امام حسین علیه السلام برای مردم کوفه سخن می فرماید که حق آن را شناخته و از سعادت ابدی محروم شدند.

پیام ها

۱. بیان دلیل برای اقناع مخاطب " وَأَنى تُرْحَضُونَ قَتَلَ سَلِيلِ خَاتَمِ النُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، وَسَيِّدِ شِبَّانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ "

۲. محرومیت بشر از سعادت از آثار عدم شناخت امام معصوم علیه السلام " وَ مَنَارِ مَحَجَّتِكُمْ، وَمِدْرَةِ حُجَّتِكُمْ، وَ مَفْرَخِ نَازِلَتِكُمْ "

^۲ محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۵۱، ص ۱۶۰.

^۱ علی فتحی، حدیث «سیدا شباب اهل الجنة» و مساله افضلیت امام، فصلنامه کلام اسلامی، پیاپی ۸۲، تابستان ۱۳۹۱، ص ۵۹

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم دمشق، الدار الشامیه بیروت، چاپ اول ۱۳۷۴

۲. ایشانی، طاهره- نعمتی قزوینی، معصومه، تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش گفتار سرل، سفینه سال دوازدهم شماره ۴۵ "ویژه حدیث"، زمستان ۱۳۹۳

۳. حسینی رودباری، سید مصطفی، بررسی خطبه زینب کبری (س) در کوفه، پیام ویژه محرم ۱۳۸۶ شماره ۸۶

۴. الحسینی الواسطی الزبیدی، محب الدین اُبی فیض محمد مرتضی، تاج العروس فی شرح القاموس، مصحح: علی شیری، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، بیروت- لبنان، بی تا

۵. رنجبر حسینی، محمد، تحلیل اقتباس های قرآنی حضرت زینب (س) در خطبه کوفه، نرجس ارج، پژوهشنامه معارف حسینی سال چهارم شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۸

۶. شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد جلد ۴، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ایران ۱۳۶۱

۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین؛ محمود عادل، جلد ۳-۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷

۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین جلد ۸، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم السامرائی، موسسه دارالهجره، قم، بی تا

۹. قرشی بنایی، علی اکبر قاموس قرآن جلد ۴، دارالکتب الاسلامیه، بیروت- لبنان، چاپ ششم ۱۳۷۰

۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۵

۱۱. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق. ج ۵، ص ۴۵۴.

فراز چهارم خطبه

حضرت زینب علیها السلام

در کوفه

فَتَعْسَاءُ وَنُكْسَاءُ، لَقَدْ خَابَ
السَّعْيُ، وَخَسِرَتِ الصَّفَقَةُ،
وَبُؤْتُمْ بِنَعْصِبٍ مِنَ اللَّهِ،
وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الذِّلَّةُ
وَالْمَسْكَنَةُ « لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا
إِذَا، تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ
مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ
الْجِبَالُ هَدًّا » أَتَدْرُونَ أَيَّ
كَبِدٍ لِرَسُولِ اللَّهِ فَرَيْتُمْ؟ وَأَيَّ
كِرِيمَةٍ لَهُ أَبْرَزْتُمْ، وَأَيَّ دَمٍ لَهُ
سَفَكْتُمْ؟

ترجمه

نابود شدید و وارونه گشتید،
تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده،
معامله تان قرین زیان گردیده

است، و به سوی خشم خدا
بازگشتید و بدین ترتیب خواری و
درماندگی بر شما لازم آمده است.
به راستی، عمل شما زشت و
ناپسند است؛ نزدیک است از این
عمل، آسمانها متلاشی و زمین
شکافته شود و کوهها به شدت
فرو ریزد. وای بر شما ای مردم
کوفه! آیا میدانید چه جگری از
رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و
دختران با عفت و وقاری را از
خاندان او به کوچه و بازار کشانده
اید؟! چه خونی از آن حضرت بر
زمین ریخته اید؟

ترجمه واژه ها

التَّعْسُ: الهلاكُ و العِثَارُ و
السُّقُوطُ و الشَّرُّ و البُعْدُ و
الانحطاط. و يقال التَّعْسُ: أَنْ يَخِرَّ
الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ؛ هلاکت،
لکنت، افتادن، شر، فاصله و
انحطاط. گفته می شود بدبختی
باعث می شود مردی روی

عبدالغفور عطار — چاپ افست، ۱۴۱۹ ق. ج ۳، ص

۱ اسماعیل بن حماد، جوهری: الصحاح تاج اللغة
و صحاح العربیه، بیروت — تهران، چاپ احمد

إِدَا: بر وزن ضد در اصل به معنای صدای زشت و ناهنجاری است که بر اثر گردش شدید امواج صوتی در گلوی شتر به گوش می رسد سپس به کارهای زشت و وحشتناک اطلاق شده است.^۷

تَخِرُّ: سقوط به صورت مطلق یا سقوط از بلندی است.^۸

هَذَا: شدید شدن و شکستن؛ یعنی زمین بشکافد و کوهها فرو ریزد.^۹

تفریه: قطعه قطعه کردن و پاره کردن گوشت است.

صورتش بیفتد. در مجمع گفته: آن لغزشی است که صاحبش، قدرت برخاستن ندارد «وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ»^۱

النَّكْسُ: قَلْبُ الشَّيْءِ عَلَى رَأْسِهِ^۳؛ آن را وارونه کرد. **نكس:** وارونه کردن. «نَكَسَهُ نَكْسًا: قَلْبَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ جَعَلَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ» یعنی آنرا وارونه کرد.^۴

الصَّفْقَةُ: به معنای زدن کف دست بر کف دست دیگر است به طوری که صدا دهد. و این کار در معامله انجام می شود.^۵

بُوْتِم: برگشتید^۶

^۵ محمد بن مكرم، ابن منظور، لسان العرب: تصحيح جمال الدين ميردامادي، بيروت، دارالفكر-دارصادر، ۱۴۱۴ق. ماده صفق
^۶ در ترجمه تفسیر المیزان انحصاراً باؤو بغضب ؛ یعنی برگشتید.

^۷ ناصر، مكارم شيرازي با همكاري جمعي از نويسندگان، تفسير نمونه، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۵۴ - ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۱۳۹
^۸ بيان السعاده في مقامات العباد، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بيروت.

^۹ همان

^۱ سوره مبارکه محمد، آیه شریفه ۸؛ آنانکه کافر شدند هلاکت بر آنهاست و اعمالشان آنها را گمراه کرد (اعمال گمراه شده بآنها نخواهد رسید و فایده‌ای نخواهد داشت).

^۲ فخرالدین بن محمد، طریحی: مجمع البحرین، احمد حسینی اشکور، مکتب المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۹

^۳ حسین بن محمد، راغب اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، ۱۴۱۶ق. ص: ۸۲۴

^۴ سید علی اکبر، قرشی: قاموس قرآن، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش. ج ۷

مکافات عمل در انتظار عهده شکنان

الهام عبیدی^۱

حضرت زینب سلام الله علیها در فرازهایی از سخنرانی شان خطاب به مردم کوفه، به عمق فاجعه کوفیان که با عهدشکنی و تنها گذاشتن امام حسین علیه السلام به بار آوردند اشاره نموده و عواقب دنیایی و اخروی این عمل را به آنها گوشزد می کند.

**الف) عذاب الهی برای عهد
شکنان**

فَتَعْسَاءُ وَنَكَسَاءُ، لَقَدْ خَابَ
السَّعْيُ، وَخَسِرَتِ الصَّفْقَةُ،
وَبُؤْثُكُمْ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ،

وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمْ الذِّلَّةُ
وَالْمَسْكَنَةُ

نابود شدید و وارونه گشتید، تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است، و به سوی خشم خدا بازگشتید و بدین ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است.

در اسناد فعل «خاب» به مصدر «السعی» مجاز عقلی وجود دارد.^۲ حضرت زینب سلام الله علیها با این تعبیر، بیان می دارند که کوفیان در کوشش خود در مسیر رسیدن به اهداف دنیوی خود، ناامید خواهند شد؛ چرا که بعضی

^۱ فلزغ التحصیل حوزه،
hana.ea1991@yahoo.com.

^۲ مجاز یعنی استعمال لفظ در غیر معنای اصلی خودش، و مجاز عقلی؛ مجاز در کلام است نه کلمه، به این معنا که

کلام خورد را به صورت اقتباس از قرآن مزین می کنند و تاکید می دارند که کوفیان گرفتار خشم خدا خواهند شد و این مجازات به سب اهانت آنان به مقام ولایت و نادیده گرفتن ارزش های الهی است. از این رو خواری و بدبختی در انتظار آنان است.^۲

معامله ی آنان درباره ی فرو گذاشتن حق و یاری کردن باطل به خسران در معامله تشبیه شده است. بر این اساس، در فعل «خسرت» استعاره تصریحیه تبعیه وجود دارد.^۳

حضرت زینب با اقتباس به آیه ۶۱ سوره بقره سرانجام عهد شکنی کوفیان را عذاب الهی می دانند؛ «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاؤُاْ غَيْظًا مِنْ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ

از آنها با وعده و وعید حکومت برای رسیدن به جاه و مقام دنیایی و برای زر و سیم، دست به این جنایت هولناک زده بودند. از این رو، آن حضرت امید آنان را به یاس مبدل می کند و آنها را مورد نفرین قرار می دهد.^۱

در مورد «خَسِرَتِ الصَّفَقَةُ» می توان گفت: منظور حضرت زینب سلام الله علیها این است که مردم کوفه در این معامله ی خود ضرر کرده اند. آنها به زعم خود، آخرت را در ازای دنیای پر زرق و برق، در پرتو حکومت یزید فروختند و زندگی در سایه حکومت امام حسین علیه السلام را رها کردند. اما این معامله برایشان گوارا نخواهد بود و در آینده ی عمر گلو گیرشان می شود. به همین سبب، حضرت زینب سلام الله علیها

^۲ استعاره تصریحیه آن است که فقط مشبه به در جمله ذکر شود، و تبعیه آن است که لفظ مستعار فعل، اسم فعل، اسم مشتق یا حرف باشد.

^۱ سید اسماعیل، حسینی اجداد؛ تجزیه تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه؛ فصلنامه سفینه، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۲ (۲۲ صفحه - از ۱۰۵ تا ۱۲۶)، ص ۱۱۸

^۲ همان

النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا
وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ؛ و (مهر خواری بر
پیشانی، و خیمه) ذَلَّتْ و نیاز بر
آنها زده شد و مستحقّ خشم خدا
شدند. این (خواری) برای آن بود
که آنها همواره به نشانه های خدا
کفر می ورزیدند و پیامبران خدا را
به ناحق می کشتند و این (کفر و
پیامبرکشی) به خاطر آن بود که
نافرمانی کردند و پیوسته (از حد
خود) تجاوز می نمودند»

خداوند در این آیه و آیه ۱۱۲
سوره آل عمران به سرگذشت و
عاقبت بنی اسرائیل اینگونه اشاره
می فرمایند:

مهر ذلت و فقر را بر پیشانی آن
ها زد و بار دیگر به غضب الهی
گرفتار شدند. این به خاطر آن بود
که آن ها آیات الهی را انکار می
کردند و پیامبران را بنا حق می
کشتند و این به خاطر آن بود که

آن ها گناه می کردن و تعدی و
تجاوز داشتند.

در این قسمت خطبه، حضرت
زینب سلام الله علیها با استناد به
این آیه قرآن درصدد القای این
مطلب به کوفیان هستند که عذاب
الهی و خواری دنیا و آخرت در
انتظار شماسست؛ چرا که فرزند
رسول خدا را کشتید و به او خیانت
نمودید. **این از سنت های
الهی است که مکافات عمل
در انتظار عهد شکنان
است.**^۱

پیام ها

۱. ایمان به معاد علاوه بر اینکه
انسان را برای زندگی جاویدان
آماده می کند و او را به تحصیل
کمال فرا می خواند، اثر عمیقی در
کنترل انسان در برابر گناهان دارد.
بدین رو، کسی که به روز قیامت
اعتقادی نداشته باشد، بدون شک

^۱ محمد رنجبر، حسینی؛ نرجس، ارج؛ تحلیل
اقتباس های قرآنی حضرت زینب سلام الله علیها
در خطبه کوفه، فصلنامه معارف حسینی،

تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴ (۱۶) صفحه - از ۴۷
تا ۶۲)، ص ۵۶

« لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا، تَكَادُ
السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ
تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ
هَدًّا »^۱

به راستی، عمل شما زشت و ناپسند است؛ نزدیک است از این عمل، آسمانها متلاشی و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد.

این آیات در مقام بزرگ شمردن گناه و عظیم دانستن آثار گناه است، که آن را به محسوس مثل می‌زند و می‌فرماید: شما امری منکر و زشت و شنیع مرتکب شدید، که آن چنان آثار سوء آن بزرگ است که نزدیک است آسمان متلاشی گردد و زمین بشکافد و کوهها فرو ریزد، آن طور فرو بریزد که گویا یک خانه فرو می‌ریزد.^۲

در رفتار و گفتار خود، چیزی به جز هوای نفس را معیار قرار نخواهد داد. این امر، در واقعه عهد شکنی کوفیان آشکار است.

۲. سران مشرکان در روز قیامت، هم تمامی بار گناه خود و هم بار گناه آن افرادی را که از راه حق گمراه کرده بودند، بر دوش می‌کشند؛ یعنی عذاب سران شرک که در برابر امام حسین علیه السلام عهد شکنی کرده و مردم را به این امر واداشته اند، دو چندان خواهد بود.

۳. انسانهایی که با نگرش سطحی به دین و در تعارض بین دین و دنیا، منافع دنیوی را مقدم می‌دارند، قطعاً خسران و ضرر در انتظار آنهاست.

ب) نفی ولایت ائمه؛ متزلزل کننده ارکان هستی

قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش. ج ۱۴، ص ۴۵

^۱ سوره مریم آیه ۸۹ و ۹۰

^۲ طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه

این آیه تنها آیه ای است که به صورت کامل در خطبه آورده شده است؛ حضرت زینب سلام الله علیها با به کار بردن این آیه به میزان ناپسندی اعمال مردم کوفه اشاره می فرمایند. آیه به سخن بت پرستان اشاره دارد که برای خداوند نعوذ بالله فرزندى قائل شده اند. حضرت زینب نیز اعمال ننگین کوفیان را - که دنیا را بتی برای خود قرار داده اند - همانند زشتی سخن کافران می داند و همان نتیجه ای را که قرآن برای سخن ناپسند کافران بیان می دارد، برای اعمال کوفیان متصور می شوند. یعنی با کشتن سلاله رسول خدا نزدیک است آسمان متلاشی گردد و زمین بشکافد و کوهها فرو ریزد. و این سخن نشان از اهمیت بالای مقام ولایت دارد؛ امام معصوم علیه السلام منادی کلمه توحید و تجلی اسماء و صفات الهی و حجت او بر روی زمین است.

پیام

۱. تمام عالم هستی از این گناه، کشتن سلاله رسول خدا صلی الله علیه و آله در وحشت و اضطراب فرو رفته است.

۲. امام معصوم علیه السلام نزد خدا جایگاه رفیعی دارد؛ شناخت ایشان و عمل به فرامین ایشان نیز از موجبات سعادت آدمی است.

۳. امامان معصوم علیهم السلام عاملان رحمت خدایند و هتک حرمت ایشان، مانع نزول رحمت است.

ج) عذاب اخروی در انتظار کوفیان

أَتَدْرُونَ أَيَّ كَيْدٍ لِرَسُولِ اللَّهِ
فَرَيْتُمْ؟ وَأَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ
أُبْرَزْتُمْ، وَأَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟

وای بر شما ای مردم کوفه! آیا میدانید چه جگری از رسول خدا دریده‌اید؟ چه زنان و دختران با عفت و وقاری را از خاندان او به کوچه و بازار کشانده‌اید؟! چه خونی از آن حضرت بر زمین ریخته‌اید؟

حضرت زینب سلام الله علیها و سرگردان کردن آنان در شهرهای مختلف، باعث شدند که دیگران به تماشای اسیران پردازند و این حادثه برای اهل بیت علیهم السلام و شخص حضرت زینب سلام الله علیها بسی طاقت فرسا بود. از این رو حضرت به سرزنش کردار آنان می پردازد و با انتساب خود به عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، اصل و نسب خود را به رخ آنان می کشند تا این توبیخ از شدت بیشتری برخوردار باشد.

حضرت زینب سلام الله علیه و آله با بیان این نکته که خون امام حسین عیله السلام همان خون پیامبر صلی الله علیه و آله است که در بدن مطهر امام علیه السلام جریان دارد به توبیخ کوفیان می پردازند. در زیارت جامعه کبیره نیز این مضمون آمده است که «ارواح، نور و خاک اهل بیت

مستعار فعل، اسم فعل، اسم مشتق یا حرف باشد.

حضرت زینب سلام الله علیها با این استفهام که در معنای توبیخ به کار رفته است، به سرزنش کوفیان می پردازند؛ چرا که آنان پیکر مطهر امام حسین علیه السلام را تکه تکه کردند و با شمشیرها و نیزه ها تا جایی که توانسته بودند به آن حضرت ضربه زدند. «کبد» در این جمله استعاره است. زیرا حضرت زینب سلام الله علیها، امام حسین علیه السلام را به کبد پیامبر صلی الله علیه و آله تشبیه می کنند و نوع استعاره نیز «مصرّحه» می باشد.^۱ به صورت کلی، این جمله تعریضی بر اعمال کوفیان است. زیرا آنان با کشتن امام حسین علیه السلام گویی جگر پیامبر صلی الله علیه و آله را آتش زدند و با این حال، خود را مسلمان می خواندند.

از سوی دیگر این کافران مسلمان نما با اسیر کردن دختران اهل بیت علیهم السلام به خصوص

^۱ استعاره تصریحیه آن است که فقط مشبه به در جمله ذکرشود، و تبعیه آن است که لفظ

علیهم السلام همه از یکجا سرچشمه می گیرد که برخی از برخی دیگر گرفته می شود.^۱ همچنین در دعای ندبه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من و علی از یک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای مختلفی هستند.^۲ بنابراین حضرت سلام الله علیها بیان می دارند که آنان با نادیده گرفتن مقام شامخ آل محمد صلی الله علیه و آله، حرمت رسول خدا را شکستند.

نکات

۱. برای بیدار شدن وجدانهای خفته در کنار معرفت افزایشی و بینش به تحریک عواطف نیز نیاز هست.
۲. گاهی ملامت و نکوهش گنه کار سبب بیداری و دوری از غفلت او می شود.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب: تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر-دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد: الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت - تهران، چاپ احمد عبدالغفور عطار - چاپ افست، ۱۴۱۹ق.
- حسینی اجداد، سید اسماعیل؛ تجزیه تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه؛ فصلنامه سفینه، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۲ (۲۲ صفحه - از ۱۰۵ تا ۱۲۶).
- حسینی، محمد رنجبر؛ نجس، ارج؛ تحلیل اقتباس های قرآنی حضرت زینب سلام الله علیها در خطبه کوفه، فصلنامه معارف حسینی، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴ (۱۶ صفحه - از ۴۷ تا ۶۲).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، ۱۴۱۶ق.
- طباطبایی، محمدحسین، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی - ایران - قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد: مجمع البحرین، احمد حسینی اشکوری، مکتب المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵.
- قرشی، سید علی اکبر: قاموس قرآن، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴ - ۱۳۸۷ش.

^۲ فزازی از دعای ندبه؛ أَنَا وَعَلِيٌّ مِّنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِّنْ شَجَرٍ شَتَّى

^۱ فزازی از زیارت جامعه کبیره؛ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ

فراز پنجم خطبه

حضرت زینب علیها السلام

در کوفه

انتظار شماست. [ای مردم کوفه] شما به این مهلت چند روز دنیا دل خوش ندارید و آن را آسان و ساده نشمارید، زیرا خداوند برای مجازات ستمگران عجله نمی‌کند، و بیم آن نداشته باشید که وقت بگذرد و انتقام خون امام حسین علیه‌السلام گرفته نشود که خداوند همیشه مراقب اعمال ماست و پیوسته در کمین ستمگران خواهد بود.

ترجمه واژه‌ها

شوهاء: ج شوه (شوه) به معنای زشت، بد گل، آنکه زود چشم زخم زند، آنکه خود بزرگ بین باشد.^۱

لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا شَوْهَاءَ خَرْقَاءَ
شَرِّهَا طَلَاعِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا
وَوَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَ لَا
يَنْظُرُونَ فَلَا يَسْتَخَفِنَكُمُ الْمَهْلُ
فَإِنَّهُ لَا تَحْفِزُهُ الْمِبَادِرَةُ وَ لَا
يَخَافُ عَلَيْهِ قَوْتُ الثَّارِ كُلِّا إِنَّ
رَبَّكَ لَنَا وَ لَهُمْ لِبِالْمِرْصَادِ.

قطعا کاری بس زشت، احمقانه، رفتاری تباه به اندازه حجم زمین و آسمان انجام دادید. راستی اگر از خیانت شما آسمان خون بیارد تعجب نکنید. اما این را بدانید که [علاوه بر نکبت و ذلت زندگی دنیا] عذاب دردناک و ذلیل کننده در

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۵۰۸

خرقاء (خرق): باد تندی است که به یک جهت مداومت نکند و در جهات مختلف بوزد^۱، احمق و نادان^۲

طلاع: اندازه، پُری چیزی^۳

فَلَا يَسْتَخْفِنَكُمْ: شَمَا رَا سَبِك
بار نکند.^۴

المهمل مهلت دادن، آرامش، ملاطفت^۵

لا تحفزه: مقابله نمی کند، دفع نمی کند.^۶

المبادره: عجله کردن، پیش دستی، پیش قدمی در پیشنهاد امری یا کاری.^۷

التار: انتقام گرفتن^۸

^۱ حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، ج ۱، ص ۵۹۵

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۹۵

^۳ همان، ج ۸، ص ۲۳۵

^۴ همان، ج ۹، ص ۷۹

^۵ همان، ج ۱۱، ص ۶۳۳

^۶ إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: محمد حسن آل یاسین، ج ۳، ص ۱۴

^۷ همان، ج ۹، ص ۳۰۳

^۸ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۹۷

گستره اعمال

مخالفین ولایت

عذرا آتشین صدف

مقدمه

کتب آسمانی مسوولیت پیدا کردند انسان را در این مسیر یاری دهند تا به کارهای شایسته روی آورد و از کارهای نادرستی که تاثیرات نامطلوبی را بر جای می گذارد دوری کند.

حضرت زینب سلام الله علیها پس از حادثه غمناک عاشورا در فرازهای پایانی سخنان خویش در برابر مردم کوفه، به تاثیر رفتارهای آنان در برابر حجت خداوند بر زمین اشاره می فرماید و گستره آثار اعمال آنها و نحوه برخورد خداوند را بیان می دارد. این مقاله بر آن است به مرور این بخش از سخنان بانوی کربلا پردازد و در حد توان نکاتی را ارائه نماید.

خداوند متعال، جهان هستی را به گونه ای آفرید که هر عمل و رفتاری (اختیاری یا غیر اختیاری)، اثری را در پی دارد به عبارت دیگر سنت و قانون الهی بر آن تعلق گرفته است که در ذات و فطرت هر حرکتی، اثری نهاده شده است که از آن به اثر وضعی اعمال تعبیر می شود. از طرف دیگر گستره تاثیر گذاری رفتارها هم یکسان نیست بلکه بسته به نوع آن، متفاوت است. برخی از اعمال اثری زودگذر و برخی اعمال آثاری ماندگار دارد.

آنچه که بیش از همه مورد توجه خداوند واقع می شود رفتارهایی است که انسان مختار از خود بروز می دهد به همین دلیل انبیاء و

۱. گناه فراگیر کوفیان

«لَقَدْ جِئْتُمْ بِهَا شَوْهَاءَ خَرْقَاءَ
شَرِّهَا طَالِعَ الْأَرْضِ وَ
السَّمَاءِ»

قطعاً کاری بس زشت، احمقانه
رفتاری تباه، به اندازه حجم زمین
و آسمان انجام دادید.

کوفیانی که ندای یاری امام
حسین علیه السلام را شنیدند ولی
حضرتش را یاری نکردند بر چند
دسته هستند: عده ای در برابر
حضرتش به جنگ پرداختند،
گروهی دیگر در حمایت آن
حضرت تردید کردند و تعدادی هم
سکوت نمودند.

زینب کبری سلام الله علیها در
بخشی از سخنان خود خطاب به
این دسته از کوفیان به ترسیم
اعمالشان پرداخت و با لحنی
سرزنش گونه، کار آنها را کاری
بسیار زشت و احمقانه خواند به
طوری که زشتی و پلیدی آن
سراسر زمین و آسمان را فراگرفت.

این بخش از کلام حضرت، به
گستره وسیع آثار شوم یاری
نکردن ولی خدا اشاره دارد. یعنی
کاری که کوفیان انجام دادند اثر
آن فقط به خودشان و محدوده
جغرافیایی خودشان بر نمی گردد
بلکه آسمان و زمین را اندوهگین
نمودند. چرا که آنها در برابر یک
نفر عادی قرار نگرفته بودند بلکه
کوفیان در مقابل حجت خدا بر
زمین قد علم کردند چنان که در
زیارت عاشورا می خوانیم:

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ
عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكُمْ عَلَيْنَا وَ
عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ
عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَوَاتِ
عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ

ای ابا عبدالله برآستی سوگواری
تو و مصیبت تو بر ما و بر همه
اهل اسلام بزرگ شد تحمل آن
مصیبت بزرگ در آسمانها بر جمیع
اهل سموات سخت و دشوار بود.

پیام‌ها

۱. نباید به ظاهر اعمال نگاه کرد بلکه باید با بصیرت محدوده تاثیر آن را نگریست.
۲. تمام اعمال آثار اخروی دارند.
۳. امام حسین علیه السلام، در آسمان و زمین عزیز است.
۴. برای رسیدن به حقیقت وجود ائمه اطهار علیهم السلام، نیاز به آمادگی دارد.

۲. دردناک ترین عذاب

«أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطِرَتْ السَّمَاءُ
دَمًا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ
أَخْزَى»

براستی اگر از خیانت شما
آسمان خون ببارد تعجب
نکنید، اما این را بدانید که
[علاوه بر نکبت و ذلت
زندگی دنیا] عذاب دردناک

و ذلیل کننده در انتظار
شماست.

در این فراز، به داستان خون آلود شدن باران بعد از کشته شدن امام حسین علیه السلام اشاره شده است.

خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۹ سوره دخان در زمینه غرق شدن فرعونیان در دریا می فرماید:
«فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ
وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ»؛

پس نه آسمان و نه زمین بر آنان گریست، و مهلت نیافتند.

برخی از مفسران گفته اند: ظاهر آیه خبر از نوعی احساس شعور برای هستی دارد که قرآن از آن به گریه تعبیر کرده است. بنابراین زمین و آسمان، شعور و احساس دارد و آنجا که اراده خداوند متعال باشد همه هستی با هم هماهنگ می شود.^۱ در زیارت ناحیه مقدسه

^۱ محسن قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۹۹

گریه تمام مخلوقات در مصیبت امام حسین علیه السلام ذکر شده است: «آسمان و ساکنانش، و بهشت و نگهبانانش، و کوهها و دامنه‌هایش، دریاها و ماهیان، باغ‌های بهشت و نوجوانانش، خانه کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام مشعر الحرام و حرم خانه خدا و اطراف آن، همگی در ماتم امام حسین علیه السلام گریستند.»

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آسمان و زمین با سرخ شدن بر حسین بن علی علیه السلام، گریه کردند.»^۱ و در روایتی دیگر باریدن خاک قرمز و سرخی آسمان را گریه آن دانسته‌اند.^۲

این باران خونین، زنگ خطری بر اعمال زشت مردمان کوفه و حوالی آن بود تا نکوهش اعمالشان از سوی آسمانها نیز تأیید گردد، البته این مجازات دنیایی است، و عذاب دردناک و خوارکننده آخرت هنوز در پیش است و گریبان مجرمان را خواهد گرفت؛ بدون اینکه در قیامت از جانب کسی حمایت شوند.

در ادامه این بخش حضرت زینب سلام الله علیها برای ترسیم عذاب اخروی قاتلان امام حسین (علیه السلام) و پیمان شکنان کوفی به آیه ۱۶ سوره فصلت استناد می‌کند که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ ۚ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ»؛ پس ما در روزهایی شوم، بادی سرد و تند و سمی را بر آنان فرستادیم تا

^۱ جعفر شوشتری، الخصائص الحسينية، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۲۴۸

^۲ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار: ج ۴۵، ص ۲۱۰

همه می پنداشتند و به همین دلیل در برابر خدا و پیامبرشان «هود»، به طغیان و سرکشی و تکذیب و انکار برخاستند.

حضرت زینب سلام الله علیها با استناد به این آیه به یک سنت تغییرناپذیر الهی اشاره می کند که خداوند قاتلان، زمینه سازان و مشارکت کنندگان شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش را به خواری دنیا و عذابیهای سخت اخروی مبتلا خواهد نمود. روزی که دیگر هیچ یار و کمک کاری نخواهند داشت.

تاریخ گواه است که جنایتکاران صحرای کربلا به چه فرجام دنیوی دچار شدند و در آخرت نیز عذاب جاودان الهی در انتظار آنهاست.

عذاب خواری و رسوایی را در همین دنیا به آنان بچشانیم. و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده تر است. و آنان یاری نخواهند شد.

این آیه در مورد سرگذشت قوم عاد است. صاحب تفسیر نمونه^۱ در تفسیر این آیه می نویسد:

می دانیم آنها جمعیتی بودند که در سرزمین «احقاف» در ناحیه «حضر موت»، در جنوب «جزیره عربستان» زندگی داشتند و از این نظر قدرت جسمانی و تمکن مالی و تمدن مادی کم نظیر بودند. قصرهای زیبا و قلعه های محکم می ساختند. مخصوصاً بر مکانهای مرتفع بناهایی که نشانه قدرت و وسیله خودنمایی بود بر پا می کردند.

مردمانی خشن و جنگجو بودند و این قدرت ظاهری، آنها را سخت مغرور کرده بود؛ چنانکه خود را جمعیتی شکست ناپذیر برتر از

^۱ مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۳۶ و ۲۳۷

پیام ها

۱. تمام هستی از نوعی شعور برخوردار است.
۲. واقعه عاشورا، تمام هستی را متأثر کرد.
۳. برخی پیروزی های دنیایی، عذاب پایدار اخروی را در پی دارد.
۴. انسان هر چه در دنیا تلاش کند اما ولی خدا را یاری نکند عذاب آخرت در پی خواهد آمد.

۳. مهلت خداوند برای ستمگران

در ادامه خطبه حضرت زینب سلام الله علیها به مهلت ستمگران اشاره می کند و می فرماید:

فَلَا يَسْتَخْفِنَكُمْ الْمَهْلُ فَإِنَّهُ لَا تَخْفِزُهُ الْمُبَادَرَةُ

[ای مردم کوفه] شما به این مهلت چند روز دنیا دل خوش ندارید و آن را آسان و ساده بشمارید،

خداوند برای مجازات ستمگران عجله نمی کند.

سنت تغییرناپذیر خداوند متعال، هشدار برای همه اهل باطل است که حتما از عواقب کار خود بترسند. مهلت دادن خداوند به اهل باطل نه به سود آنان، بلکه برای آزمایش و سنگینی گناه و مجازات بیش ترشان است؛ چنان که خداوند در آیه ۱۸۲ سوره اعراف می فرماید: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَ أَمَلَى لَهُمُ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ»؛ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد و به آنها مهلت می دهیم [تا مجازاتشان دردناک تر باشد]؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی و حساب شده است [و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست].

زیرا در همین زمینه حضرت علی(علیه السلام) در خطبه ۹۷ «نهج البلاغه» می فرماید: «وَلَئِنْ أَمَّهَلَ الظَّالِمَ فَلَنْ يَفُوتَ أَخْذَهُ، وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ، وَ بِمَوْضِعِ الشَّجَا^۱ مِنْ مَسَاغِ رَيْقِهِ^۲»؛ اگر خداوند، ظالم و ستمگر را [چند روزی] مهلت می دهد، چنان نیست که فرصت مجازات او از دستش برود، او در کمینگاه، بر سر راه ستمگر است و گلوی وی را در دست دارد؛ هر زمان بخواهد می فشارد، آن چنان که نتواند آب دهان را فرو برد.

این همان چیزی است که «قرآن مجید» کراراً به آن اشاره کرده و در آیه ۱۷۸ آل عمران می فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِهَمِّ خَيْرٌ لَّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ آنها که کافر شدند تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم

به سودشان است؛ ما به آنها مهلت می دهیم برای آنکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوار کننده ای است.

مهلت دادن خداوند متعال به رهروان راه باطل نه به نفع آنان، بلکه برای آزمایش و خواری بیش ترشان قلمداد شده، و این فرصت و مهلت، از دست آنان خواهد رفت و عذاب خوارکننده ای در انتظارشان خواهد بود. خداوند متعال با مهلتی که به آنان داده است در حقیقت، آنان را به حالشان رها کرده است؛ زیرا لیاقت و شایستگی هدایت را ندارند. آنان در این فرصت، طغیان و سرکشی را به اوج خود می رسانند و بارشان سنگین تر و کیفرشان بیش تر می شود. این موضوع، نه تنها در عصر امام علی(علیه السلام) بلکه درباره تمام ستمگران و گردنکشان لشکر عراق صادق است؛ و امروز هم

^۱ شجا: به معنای استخوان، یا چیزی دیگری است که در گلو گیر کند.

^۲ مساغ: از ماده «سوغ» (بر وزن فوق) به معنای گوارا گرفته شده است.
^۳ «ریقه» به معنای آب دهان است.

برای همه ما درس آموزنده ای است که مهلت های الهی درباره ستمگران، نباید سبب غرور و غفلت آنها گردد.

پیام ها

۱. مهلت ها و فرصتها هرگز مانع عذاب الاهی نیست.
 ۲. اگر در انتقام خدا تأخیری می افتد، دلیل بر تخفیف عذاب نیست.
 ۳. مهلت دادن به کافران از سنت های خداوند است.
 ۴. اگر انسانها مجازات اعمال خود را به سرعت نمی بینند مهلتی است برای اتمام حجت و یا افزایش عذاب آنها.
 ۵. خداوند در مجازات بندگان عجله نمی کند.
 ۶. اگر فردی سریع دچار عقوبت کارهای زشتش نمی شود خوشحال نشود.
۴. خداوند در کمین ظالمین

و لَا يَخَافُ عَلَيْهِ قُوَّةُ الثَّارِ كَلَّا
إِنَّ رَبَّكَ لَنَا وَ لَهُمْ لِبِالْمِرْصَادِ

و بیم آن را نداشته باشید که وقت بگذرد و انتقام و خون امام حسین علیه السلام گرفته نشود که خداوند همیشه مراقب اعمال ماست و پیوسته در کمین ستمگران خواهد بود.

زینب کبری علیها السلام در این فراز به آیه ۱۴ سوره فجر استناد می کند و می فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ»؛ بی تردید پروردگارت در کمینگاه است.

کلمه «مرصاد» به معنای مهلتی است که به کمین بنشینند و منتظر رسیدن شکار و یا دشمن باشند. مرصاد بودن خدای متعال، با اینکه او منزه است از نشستن در مکان، کنایه ای است تمثیلی؛ که می خواهد بفهماند خدای تعالی مراقب اعمال بندگان است. همانطور که انسان در کمین

نشسته، مراقب حرکات و سکنات دشمن خویش است و منتظر است تا او را دستگیر کند و یا به قتل برساند و خود او هیچ خبر ندارد از اینکه دشمنش در صدد دستگیری و یا کشتن او است خدای سبحان هم مراقب اعمال بندگان خویش است. همین که طغیان کردند و فساد را گسترش دادند، ایشان را به شدیدترین وجهی عذاب می‌کند.

تعبیر به «ربک» (پروردگار تو) اشاره به این است که سنت الهی در مورد اقوام سرکش و ظالم و قاتل ستمگر در امت تو نیز جاری می‌شود. هم تسلی خاطر است برای پیامبر و مومنان که بدانند، این دشمنان لجوج کینه توز از چنگال قدرت خدا هرگز فرار نخواهند کرد و هم اعلام خطر است به آنها که هر گونه ظلم و ستمی را به خواری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان روا می‌داشتند. آنها باید بدانند کسانی که از آنان قدرتمندتر و

نیرومندتر بودند در مقابل عذاب الهی تاب مقاومت نیاوردند. اینها چگونه فکر می‌کنند که می‌توانند با این اعمال مخالفشان از عذاب الهی نجات یابن.

حضرت زینب سلام الله علیها با استناد به این آیه قرآن متذکر که خداوند در همه حال مراقب اعمال بندگان هست، ظالمان و مسببان جنایات عاشورا بدانند که نمی‌توانند از قدرت انتقام خداوند فرار کنند. او شاهد و نگهبان، تمام عالم است و کیفر گناهکاران را بنا به حکمت و اسرارهایی به تأخیر می‌اندازد. ولی خداوند در کمین آنهاست و عدم نزول بلا و عذاب الهی برای ایشان کوتاهی و اهمال خداوند نیست؛ بلکه عذاب الهی به موقع شکننده و خوارکننده است.

پیام ها

۱. انتقام برخی از کارها فقط در دست خداست.

۲. اگر خداوند به ظالم فرصت می دهد، انتقام گیری از او فراموش نمی گردد و خدا در کمین ظالم است.

۳. طبق سنت تغییرناپذیر الهی، ستمگران کیفر اعمال زشت خود را خواهند دید.

نتیجه گیری

حضرت زینب سلام الله علیها، به عنوان پاسدار معارف حسینی، پس از واقعه عاشورا در موقعیت های مختلف به سخنرانی پرداخت و راه ولایت را تبیین نمود. یکی از محورهای سخنان حضرت، توجه به فرجام کار کسانی بود که در مقابل امام حسین علیه السلام ایستادند و یا سکوت نمودند. در فرازهای پایانی خطبه کوفه، این بانوی آشنا به معارف قرآن کریم با استناد به آیات الهی به این نکات اشاره فرمود که کار زشت دشمنان خاندان وحی، هم در زمین و هم در آسمان تاثیر گذار بوده است و همه را محزون نمود.

اگر عقوبت خداوند به زودی دامنگیر آنها نشد بر اساس سنت الهی است که به کافران مهلت می دهد و ناگهان عذاب خود را نازل می نماید.

فهرست منابع و ماخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، مرتضوی، تهران، بی تا.
۳. صاحب بن عباد، إسماعیل، المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: محمد حسن آل یاسین، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط- بیروت)، محقق/مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی در سہایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۹۹.
۶. شوشتری، جعفر، الخصائص الحسينية، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات ال علی(ع)، قم، ۱۳۷۸.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱، ه. ش.

دالای فہم

امام سجاد علیہ السلام خطاب بہ
حضرت زینب (علیہا السلام) فرمودند:

«أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ
مُعَلِّمَةٌ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٌ؛

تو بحمد الله دانشمند استاد ندیدی ای
و دلالی فہم و معرفت بلا بی ہستی
بدون اینکه کسی تو را آموختہ باشد؛

احجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۰۵



مقام معظم رهبری مدظله العالی
نام زینب و کار زینب امروز الگوست و درد نیاماندگار است.

بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹